

سازندگان همبستگی: تشریح و "تصحیح"

رفیق گرامی مهنوش موسوی، سردبیر همبستگی هفتگی

با آرزوی موفقیت شما و نشریه همبستگی هفتگی

در رابطه با مقاله شما "چه کسی همبستگی را بنیان نهاد؟" (همبستگی هفتگی شماره ۸) نکاتی بنظر می‌رسد که فکر میکنم ذکر آنها مهم است. ممنون میشوم اگر این نامه را در شماره بعدی همبستگی هفتگی منتشر کنید.

مقاله شما حاوی اظهار لطف بزرگی به من بود، بخاطر نقشی که در ایجاد فدراسیون پناهندگان برای من قائل شده‌اید. بدیهی است که حتی اگر یک دهم آنچه شما گفته‌اید هم در پیدایش فدراسیون سهم بوده باشم، یک افتخار بسیار بزرگ برای من محسوب میشود. اما این قدردانی ویژه از من در سالگرد تشکیل فدراسیون، با توجه به تاریخ واقعی شکل‌گیری و تکامل فدراسیون در این دوازده سال، بنظر من خواه ناخواه یکجانبه است و حق مطلب را ادا نمیکند. رهبران، سازندگان و تلاشگران همبستگی در این سالها در درجه اول کسان دیگری بوده‌اند.

درست است، ایجاد فدراسیون پناهندگان ایرانی طرحی بود که من در پاسخ به مساله سازماندهی غیر حزبی ایرانیان مقیم خارج، به کمیته مرکزی وقت حزب کمونیست ایران ارائه کردم و به تصویب آن رساندم. اسناد پایه‌ای اولیه این سازمان را نوشتم و در کمیته مرکزی مسئولیت عمومی پیاده کردن این طرح را بعهده گرفتم. از آن به بعد، در این دوازده سال، نه فقط بعنوان یک فرد بسیار علاقمند، بلکه بعنوان دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران و بعد حزب کمونیست کارگری ایران، امور فدراسیون را دنبال کرده‌ام، مورد مشورت رهبری این نهاد در دوره‌های مختلف بوده‌ام و با آن همکاری کرده‌ام. تقویت فدراسیون جزو وظایف تعریف شده رهبری حزب ماست و من هم به سهم خود کوشیده‌ام به این وظیفه عمل کنم.

اما همانطور که گفتم سازندگان همبستگی در درجه اول کسان دیگری بوده‌اند. همبستگی با تلاش شبانه‌روزی و فداکاری‌های رفقای بسیاری ساخته شده است. نام دهها تن از فعالین سختکوش و دلسوز این سازمان در این ده دوازده سال فورا به ذهن می‌آید. یاد کردن از همه این رفقا در این یادداشت کوتاه ممکن نیست. فقط اجازه بدهید در سالگرد این سازمان لااقل از رهبران آن در این سالها اسمی ببرم: حبیب فرزاد، که ریاست اولین هیات موسس فدراسیون را داشت، غلام کشاورز، رفیق عزیزمان که بدست اسلامین جانی حاکم بر ایران ترور شد، کورش مدرسی، که وظیفه بازسازی فدراسیون را بردوش گرفت، فرهاد بشارت، که چندین سال ریاست این سازمان را داشت، دوره‌ای که ناظر به رشد کمی، گسترش دامنه فعالیت و قوام گرفتن فدراسیون بود، ثریا شهابی، که مسئولیت احیای فعالیت فدراسیون و تغییر ریل آن با توجه به شرایط جدید را برعهده گرفت، و مریم نمازی، رئیس کنونی فدراسیون و از فعالین اصلی و قدیمی آن، که همبستگی را به یک نهاد سرشناس و ذینفوذ هم در ایران و هم در جنبش‌های ضد راسیستی و مدافع حقوق پناهندگان در سطح بین‌المللی بدل کرده است. این مسئولین، همانطور که گفتم، در کنار و به کمک طیف وسیعی از کادرهای مجرب و توانا، چه در ارگانهای مرکزی فدراسیون و چه در نهادهای کشوری آن کار کرده‌اند. همه ما این رفقا را میشناسیم. بسیاری شان چهره

های محبوب مردم ایرانند و در کشورهای محل اقامت خود از شخصیت های بنام جنبش های حقوق مدنی و انسانی هستند. عده زیادی از کادرهای رهبری و مرکزی حزب ما از فعالین همبستگی هستند. حزب کمونیست کارگری جایگاه بسیار مهمی برای همبستگی قائل است. همبستگی یک جزء لاینفک جنبش ماست و هیچ چیز طبیعی تر سهم گذاری حزب و رهبری و کادرهای آن در همبستگی نیست.

بار دیگر از لطف شما تشکر میکنم. سهیم بودن در پیدایش و رشد این سازمان رادیکال و انسان دوست باعث افتخار همه ما، و بخصوص آن رفقای است که با تلاش شبانه روزی این سازمان را ساختند و محکم کردند و راه برده اند. دست همه شما رفقای همبستگی را میفشارم و سالگرد تشکیل این سازمان را به همه فعالین آن در این بیش از یک دهه شادباش میگویم.

منصور حکمت

۲۰ ژوئیه ۲۰۰۱